



کارکرد نمادین رنگ‌ها در فضا سازی انیمیشن‌های مذهبی ایرانی

پیام زین‌العابدینی^۱، مائده منطقیان^۲ ID

^۱ دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنرهای نمایشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، maedeh.207@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد انیمیشن، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران، maedeh.207@gmail.com

چکیده

رنگ‌ها در تمدن‌های گوناگون دارای ارزش‌ها و کارکردهای گوناگونی اعم از روانی، فلسفی، آئینی، مذهبی و غیره هستند. رنگ‌ها می‌توانند حامل پیام‌های گوناگون آشکار یا ضمنی بوده و بر احساس، ارتباطات، تفکر، اندیشه، و رفتارهای شخصی یا گروهی تأثیرگذار باشند. ایران زمین با قدمتی کهن در بافتار سنتی و یا مدرن خود از وجوه و ویژگی‌های رنگ در همه زمینه‌های زیستی و داشته‌های فرهنگی، هنری و مذهبی‌اش بهره برده است. رنگ‌ها همواره هویتی آشکار یا پنهان داشته‌اند که به تناسب اعتقاد ایرانیان مورداستفاده قرار گرفته‌اند. در قرآن و احادیث و روایات حتی به لحاظ فیزیولوژیک بارها به خواص اثربخش رنگ‌ها اشاره شده است. سواد رسانه‌ای و آگاهی مخاطبان به‌خصوص در سال‌های اخیر فیلم‌سازان و تولیدکنندگان هنر صنعت رسانه انیمیشن را به‌سوی سینمای بصری رهنمون ساخته و رنگ به‌عنوان عنصری مهم نقش قابل توجهی دارد. هنر انیمیشن ایران زمین نیز با قدمتی طولانی، متأثر از چنین رویکردی سال‌ها در تلاش است که از خصایل رنگ‌ها در تبلور و پرتوافشانی دین و فرهنگ ملی سود جوید. پژوهش حاضر با هدفی کاربردی در صدد آن است تا منزلت و جایگاه این باور ملی درخصوص نقش نمادین رنگ را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی چگونگی استفاده از رنگ‌ها در فضا سازی انیمیشن‌های مذهبی ایرانی با تکیه بر فرهنگ کهن ایرانی اسلامی می‌باشد. روش تحقیق کیفی با رویکردی تحلیلی، توصیفی بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و آرشيوهای صوتی تصویری می‌باشد. از این‌رو، فیلم «شاهزاده روم» به‌صورت انتخاب هدفمند مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی تأثیر رنگ‌ها و معانی آن‌ها در هنر، فرهنگ، متون اسلامی و مخاطب.
۲. بررسی لزوم استفاده از رنگ‌ها برای القای یک فضای مذهبی در انیمیشن‌های ایرانی.

سؤالات پژوهش:

۱. رنگ‌ها در مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
۲. چگونه می‌توان از رنگ‌ها در فیلم‌های انیمیشن استفاده کرد به‌گونه‌ای که حامل باورهای فرهنگی و اعتقادات ملی و مذهبی باشند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۴۴۹ الی ۴۶۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

رنگ‌های نمادین،

فضا سازی،

انیمیشن‌های مذهبی ایرانی.

ارجاع به این مقاله

زین‌العابدینی، پیام، منطقیان، مائده. (۱۴۰۱). کارکرد نمادین رنگ در فضا سازی انیمیشن‌های مذهبی ایرانی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۴۴۹-۴۶۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708,1401,19,48,6,6](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708,1401,19,48,6,6)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.251623.1377

مقدمه

باور ایرانیان همواره به صورت های گوناگون در قالبی غیرمستقیم در آثار هنری شان جلوه گر شده است. زبان بیانی غیرمستقیم چه کلامی، که در شعر و ادبیات تبلور یافته، و چه بصری، که در فرش ها، نگاره ها، معماری و غیره، نمایان است، همواره گویای نوعی زیبایی شناسی منحصر به فرد مختص این مرزوبوم است. شاعران و ادیبان، هنرمندان، پزشکان و روانشناسان، روحانیون و عرفا، فیلسوفان و اندیشمندان، وحتى دولت مردان و سیاست مندان هر کدام به گونه ایی به زبان بصری و بیانی رنگ و تأثیر آن بر ذات و سبک زندگی مردم و جامعه پیرامون خود اشاره کرده و کاربرد آن را مورد توجه قرار داده اند.

هنر انیمیشن قادر است بر پایه خصلت های خاص رنگ، بسیاری از پیام های ارتباطی، آموزشی، ایدئولوژیک را در ذهن و افکار تماشاگر انتقال دهد و تأثیر گذار باشد. انیمیشن ایران توانسته است مقام ویژه ای در وطن و جامعه بین المللی کسب کند، اما تاجایی که محقق مشاهده کرده است در زمینه بررسی و بیان مکتوب ویژگی های خاص فرهنگی انیمیشن ایرانی و مذهبی پژوهش های اندکی صورت گرفته و خلأ علمی فراوانی وجود دارد. مقاله حاضر بر مبنای چنین پنداشتی با درک اهمیت و ضرورت نیازهای پژوهشی صورت گرفته است. مسئله پژوهش حاضر واکاوی چگونگی استفاده از رنگ ها در فضا سازی انیمیشن های مذهبی ایرانی با تکیه بر فرهنگ کهن ایرانی اسلامی می باشد.

تاکنون تعداد معدودی انیمیشن مذهبی ایرانی ساخته شده و از طرفی تحقیق در رابطه با فضا سازی انیمیشن های مذهبی به ویژه ایرانی و بررسی چگونگی و چرایی حضور رنگ ها یک فعالیت بکر است. محقق تاجایی که مشاهده کرده است، منابع وجود ندارد و تنها می توان به موارد زیر پیرامون ویژگی های فرهنگی و مذهبی رنگ اشاره کرد. شیمیل و ساسک (۱۳۸۲) ارزش های رنگ در هنر و ادبیات ایران، ترجمه مریم میراحمدی است. نگارنده معتقد است که ایرانیان در ابتدا تحت تأثیر تفکرات آئین زرتشت، کتاب های اوستایی و پهلوی بوده اما پس از ظهور اسلام دیدگاه ایرانیان متأثر از ترکیبی از فرهنگ و اندیشه ایرانی و اسلامی شده است.

جودی نعمتی (۱۳۸۶) تناسب رنگ ها در صورخیال و هسته روایی شاهنامه را بررسی کرده است. پژوهشگر در این مقاله به تأثیر رنگ ها در خیال شاعر و تبلور آن در شعر سروده شده پرداخته است. از نظر او رنگ با مضمون، شخصیت ها، حوادث و ماجراها رابطه معناداری دارد. امینی لاری و خیراندیش (۱۳۹۲) جلوه های نمادین رنگ در ادب عرفانی، را نگاشته است. محقق در این تحقیق به شیوه بیانی استعاری و رمزی به کار گرفته در معرفت شهودی عرفا پرداخته است. عارف در هر یک از مراکز هفت اندام لطیف، ادارک های متفاوتی از الوان یا بینش های رنگین گوناگون دارد که مراحل کشف باطنی اوست. نیکوبخت و قاسم زاده (۱۳۸۷) سمبولیم نور و رنگ در عرفان ایرانی - اسلامی را بررسی کرده اند. این مقاله به نقش سمبولیک رنگ ها در بیان کیفیت نفسانی و تجربه های شخصی عرفا پرداخته است. باتوجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای به بررسی این موضوع بپردازد.

۱. نقش رنگ در هنر ایرانی

در هنر باستانی ایرانی این هفت رنگ، رنگ‌های اصلی محسوب شوند. آن‌ها هر کدام از این رنگ‌ها را به یکی از روزهای هفته اختصاص دادند. هفت مرتبه طواف آفرینش هستی در هفت روز، هفت مرحله سیر و سلوک در عرفان، هفت مرتبه طواف هنرهای هفت‌گانه، کاشی‌های هفت رنگ و هفت پیکر نظامی که در آن هجرت از عالم تاریکی و شرک به نور و روشنایی را تداعی می‌کند. همه مثال‌هایی از این نظام هفت‌رنگ هستند. حتی برای رسیدن به کاخ دیوکس پادشاه مادها در همدان کنونی می‌بایست از هفت حصار رنگی عبور کرد. باتوجه به متونی که از ایران باستان به‌جای مانده این‌طور برمی‌آید که در گذشته و در فرهنگ زرتشتیان تقابل سه رنگ سفید و سرخ و سیاه بسیار رایج بوده است (چوناکوا، ۱۳۷۶، ۷۲-۶۴). این سه رنگ در زبان اسطوره ایران باستان جایگاه متفاوتی دارند. در اسطوره‌های ایرانی سپید نماد اوج، رسیدن به بهشت که پر از نور و روشنی و نهایت پاکیزگی و بی‌آلایشیست، سیاه که نماد حسیض، جهنم، ظلمت و تاریکی و منزلگاه شیطان است. جهان میانی که زیستگاه آدمیان است نیز سرخ رنگ است. رنگ‌های زرد، سرخ، آبی و سبز با چهار فصل سال و چهار جهت اصلی همانندی دارند همواره به‌عنوان یک نظام چهارگانه در هنر و فرهنگ و باور ایرانیان مطرح بوده‌اند (بسته نگار، ۱۳۹۳: ۶۱). در مجموعه رنگ‌های هفت‌گانه، سفید و سیاه و قهوه‌ای اولین دسته متشکله از سه رنگ محسوب می‌شوند که به‌واسطه رنگ‌های زرد، سرخ، سبز و آبی یا دومین دسته از رنگ‌های چهارگانه کامل می‌شوند. در این مجموعه، سه در جایگاه عدد و مثلث در هندسه، نشانه‌ای از معنای بنیادین روان است و به‌طور مستقیم با آفرینش ارتباط دارد و حرکاتی مانند وسعت، اوج و حسیض را به یاد می‌آورد. سیاه، سیاه و قهوه‌ای (خاکی) به آن دسته تعلق دارند (عسگری، ۱۳۹۲: ۴۸). آیین زرتشت تأثیر بسیار مهمی در شکل‌گیری باورهای ایرانیان باستان داشته است... سپید، مظهر نیکی، پاکی و امید، خلوص، نورو شادی را داریم و از طرفی سیاه که مظهر، اهریمن، یاس و ظلمت است. در کتب مذهبی زرتشتیان، ایزد باران به‌صورت اسبی سفید و دیو خشکسالی به صورت اسبی سیاه یادآور شده‌اند. طبقات و رده‌های مختلف مردم نیز با پوشیدن جامه‌های رنگین از یکدیگر متمایز می‌شدند. در متون اوستایی از سه طبقه و بعد از چهار طبقه‌ی روحانیون، جنگجویان، کشاورزان و صنعتگران نام می‌برند. در متون پهلوی نیز، دبیران به این طبقات اضافه می‌شوند:

- ۱- موبدان یا روحانیون جامعه سفید
- ۲- جنگجویان جامعه سرخ
- ۳- دبیران جامعه زرد
- ۴- صنعتگران و کشاورزان جامعه کبود

می‌پوشیدند... در ایران باستان، دیوان یا تورانیان از شمال (شمال شرقی) می‌آیند که نشان‌های سیاه دارند. رومیان که از غرب به ایران حمله‌ور می‌شدند، دارای پرچم و جامه سرخ بودند. اما دوستان ایرانیان که از شرقی می‌آیند در فشی سفید در دست دارند. در اسطوره‌های ایرانی، بنابر نوشته دینکر، سه جهان وجود دارد. جهان «فراز» یا آسمان

بلند- آنجا که جایگاه اهورامزدا است و روشنایی-سپید است و آن جا که «فرود» است و زیرین، جای اهریمن است و سیاه. جهان میانی زرین و با به گونه‌ای سرخ فام است که از آن مردمان است (شیمل و ساسک، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۰). یکی از جذاب‌ترین اندیشه‌های ایرانیان انطباق هفت رنگ با هفت سیاره آسمانی است که هر کدام مظهر یکی از امسایپندان دین زرتشتی است، ایرانیان این هفت رنگ را رنگ‌های اصلی دانسته و هریک از آن‌ها را برای یکی از روزهای هفته در نظر می‌گرفتند. شنبه (زحل) = نیلگون، یکشنبه (خورشید یا مهر) = زرد، دوشنبه (ماه) = آبی، سه شنبه (مریخ) = نارنجی، چهارشنبه (عطارد) = سرخ، پنجشنبه (مشتری) = بنفش، آدینه (زهره) = سبز یا سفید (راکعی، ۱۳۹۵: ۱۷).

در شهر شوش آثار تاریخی یافت شده که سرتاسر آن پر است از کاشی‌های زیبایی که با نقوش حیوانی و گیاهی به رنگ‌های سرخ و سیاه و نخودی معماری شده است (فرزان، ۱۳۸۴: ۷۳-۷۱). هر طبقه از معبد معروف زیگورات به رنگی خاص معماری شده که از پایین به بالا عبارت است از: سفید (رنگ بی‌رنگی)، خالص ولی بلاتکلیف، سیاه (به معنای جهان مردگان و نامرئی)، قرمز- قهوه‌ای، نشا نزمین و کره خاکی، (رنگ گرایز زمینی و خشم و کینه)، آبی (مظهر وسعت درون و آسمان) و در نهایت گنبد یا اتاقک بالای زیگورات که به رنگ زرد طلایی، نمادی خورشید و نور است (احمدی ملکی، ۱۳۷۸: ۷۲). نمونه‌هایی از کاشی‌کاری لعابدار شوشی متعلق به دوره هخامنشی وجود دارد (شکل ۱) که اگر به زمینه‌ی این کاشی‌ها توجه کنیم به رنگ سبز و آبی و فیروزه‌ای است که کلاً نشاط آورند. در این آجر لعابدار سربازان شوشی یکایک لوازم و ابزار و پوشاک که بر روی هم رنگ‌هایی از قبیل فیروزه‌ای، سفید، زرد و قهوه‌ای را شامل است قابل توجه است. اما رنگ زرد طلایی که استادان لعابکار بر روی لباس این دو سرباز جاوید می‌خواستند به وجود آورند شاید همان رنگی بوده باشد که بر دامن سرباز سمت چپ نقش ملاحظه می‌شود که شکوهمندتر و رنگین‌تر است (ضیاءپور، ۱۳۵۳: ۳۲). [نمونه‌ای دیگر در عصر ساسانیان] بانویی را نشان می‌دهد که ایستاده، پیراهن بلند پوشیده و در سمت چپ او دسته گلی است و بر دوشش پارچه‌ای نازک است که بر دور بدنش پیچیده شده (شکل ۲). رنگ آمیزی زمینه این موزائیک از کاشی سفید است. رنگ پیراهن خرمایی-اخرایی یا روناسی است و برای نمایش چین‌های این پیراهن و سایه روشن‌های آن از رنگ‌های قهوه‌ای و آبی تیره استفاده شده است. ساقه‌ی دسته گلش سبز و خود گلبرگ‌ها به رنگ زعفرانی می‌باشد. از کاشی‌هایی به رنگ قرمز و زرد و طلایی حاشیه‌ای باریک ترتیب داده شده است (ضیاءپور، ۱۳۵۳: ۵۴-۵۵).



(شکل ۱). کاشی لعابدار شوش با نقوش سربازان جاوید

(مربوط به سده پنجم پیش از میلاد در موزه لوور)



(شکل ۲). نقش موزائیکی بانو با دسته گل

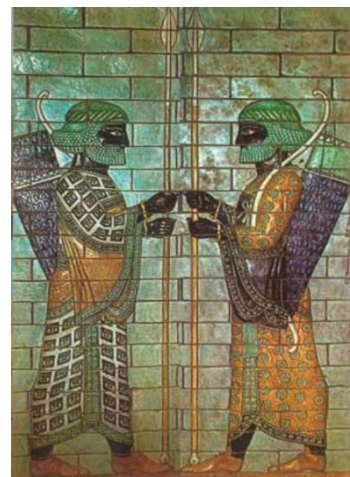
(مربوط به دوره ساسانی واقع در موزه ایران باستان)

هنر سفالگری در دوره شکوفایی امپراتوری هخامنشی وارد مرحله‌ای از شکل، نقش‌ها و رنگ‌های گوناگون شد. در این دوره، هنر کاشی‌پزی و کاشی‌کاری نیز پدید آمد و کاشی‌های بلوکه‌شده گود و برجسته با نقاشی و لعاب‌های رنگی به رنگ‌های سبز متمایل به آبی، قهوه‌ای، مشکی و زرد سیر ارزش‌های هنری بسیار بالایی برای قطعه‌های بلوکه شده گود و برجسته کاشی به‌وجود آورد. با قرار دادن قطعه‌های کاشی بلوکه در نزدیکی هم، تابلوهای بسیار شگرفی چون: گل‌های رُزاس، سرباز و سربازان جاویدان، شیرمردان بالدار، شیر بالدار و شاخدار (گریفن) و پاره‌ای دیگر در شوش و ... به وجود آمد (شکل ۳ و ۴) (زُمرشیدی‌ها، ۱۳۹۱: ۵۱)



(شکل ۴) کاشی منقوش گود و برجسته، شیر مردان بال

کشف شده از شوش، موزه ملی ایران (دوره هخامنشی)



(شکل ۳) کاشی منقوش گود و برجسته، سربازان جاویدان

کشف شده از شوش، موزه لوور (دوره هخامنشی)

یکی از اصیل‌ترین رنگ‌های مطرح در هنر اسلامی رنگ فیروزه‌ای است، همچنین آبی لاجوردی هسته تمثیل مراقبه و مشاهده است، بیان گر بی‌کرانگی آسمان آرام و تفکر برانگیز سحرگهان صاف و صمیمی است. رنگ‌های فیروزه‌ای

سبز و سفید که به ترتیب نماد آسمان، طبیعت و نور الهی هستند با هم در آمیخته و بر ملکوتی بودن مساجد می افزایند (عناقه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۲). در مسجد گوهرشاد (شکل ۵) رنگ فیروزه‌ای گنبد با وسعت زیاد در جوار گنبد طلایی حرم امام رضا (ع) بر زیبایی فضا افزوده است. سفیدی خط نوشته‌ها بر روی آبی لاجوردی تضادی چشم نواز به وجود آورده است. در مجموعه‌ی گوهرشاد رنگ غالب آبی است که خود رنگی آرام‌بخش و مناسب برای روحیه زائران است. (شکل ۶) (مصدقیان، ۱۳۹۱: ۱۵).



(شکل ۶) بخشی از کاشی مسجد گوهرشاد دوره تیموری



(شکل ۵) مسجد گوهرشاد. دوره

با شروع تفکر عرفانی در قرن ششم خصوصاً اندیشه‌های مبتنی بر نور و رشد و توسعه آن در قرن‌های بعد خصوصاً شکوفایی آن در دوره‌ی صفویه که امتزاجی کم نظیر از تشیع، عرفان و اشراق را به وجود آورد.

هنگامی که با نگاره‌های ایرانی برخورد می‌کنیم با حجم عظیمی از رنگ‌های خالص روبه‌رو می‌شویم و هیچ کمبودی از نظر رنگ احساس نمی‌شود و این رنگ‌ها خالص راه به سمت بی‌رنگی می‌برد و این بی‌رنگی با هدف هنر ایرانی که رسیدن به فراسوست هم‌خوانی دارد (کربن، ۱۳۹۳: ۱۹۶). یکی از نمونه‌های عالی رنگین نگاره «شمس و شمات و پریان» از «کتاب سمک عیار» مربوط به عصر سلجوقیان است (شکل ۸). رنگ تنه درختان بنفش و برگ‌های دو درخت طرفین با طلا رنگ‌آمیزی شده و برگ‌های درخت وسطی سبز و آبی و زیتونی است. پریزاد سمت چپ جبهه‌ای سبز پوشیده و پیراهنش به رنگ زرشکی و نقوش طلایی است. پیراهن بلند پریزاد سمت راست نیز به رنگ صورتی است. رنگ زمینه‌ی نهر آبی خاکستری است و باید گفت در این نگاره دو زمینه آبی خاکستری و روناسی زمینه‌ی اصلی را تشکیل می‌دهند (ضیاءپور، ۱۳۵۳: ۶۹-۶۸).



(شکل ۹) نگاره‌ای از نسخه شاهنامه



(شکل ۸) شمس و شمات و پریان در کتاب سمک عیار

نبرد بهرام گور با ازدها شیراز دوره ایلخانی

اثر صادق ابن ابوالقاسم شیرازی (مربوط به دوره سلجوقی)

در نقاشی‌های «بهزاد» (سده نهم هجری) شاهد رنگ آمیزی منحصر به فردی هستیم (شکل ۹). انتخاب رنگی او شامل انواع زرد اخراپی و سرخ، سبزه‌ها، نارنجی، آبی، قهوه‌ای روشن، و طلایی. در نفیس‌ترین آثارش، سطوح کوچک آبی و سبز و سرخ را به‌گونه‌ای هماهنگ روی زمینه‌ای با رنگ‌های قهوه‌ای و خاکستری گسترانیده است (ضیاءپور، ۱۳۵۳: ۸۲).

۲. استفاده رنگ از منظر شاعران ایران زمین

۲/۱. فردوسی

در اشعار فردوسی بیش از اینکه به رنگ خاصی توجه شود به مفهوم کلی رنگ و ذاتش اشاره شده است. با این وجود، فردوسی در اکثر موارد برای فضا سازی صحنه‌های جنگ و درگیری از رنگ‌های سرد و تیره بهره جسته است و چون شاهنامه ماهیتی حماسی دارد طبیعی است استفاده از رنگ‌های سرد در اشعارش غالب باشد (سلطانعلی یزدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

ابا پیل گرد و نکش و رنگ و بوی

ز خاور به ایران نهادند روی

در بیت بالا واژه‌ی رنگ به معنی عظمت و شکوه و جلال است. رنگ سیاه علاوه بر اینکه در شاهنامه به معنای پلیدی و زشتی است. نام اسب اسفندیار هم می‌باشد (روشن، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸). رنگ، مؤثرترین و برجسته‌ترین وجه تصاویر حسی و توصیفات تجسمی-بصری شاهنامه است و به‌طور کلی در آفرینش صورخیال و روایات توصیفی شاهنامه نقش بارزی دارد؛ به‌ویژه اینکه در محدوده مجازهای زبان و بیان شاعرانه فردوسی و از جمله در بیان تصاویر تشبیهی و استعاره‌ی پویا و زنده او بسیار مؤثر واقع شده است (ضابطی جهرمی، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

۲/۲. مولوی

مولوی سخن را به لایه‌های عمیق‌تر می‌کشاند و هشدار می‌دهد که اشتغال به رنگ و شکل نباید انسان را از دیدن نور حقیقت بازدارد. اندیشه‌ها و خیالات درون ما هم رنگ‌هایی دارد که دیدن آنها نیازمند نور دیگری است. رنگ‌هایی بیرونی را با نور خورشید و ستاره‌ها می‌توان دید. رنگ خیال درون با تابش نور الهی دیده می‌شود (رجبی، ۱۳۸۸: ۴۱). در جلوه‌های گوناگون شعر مولوی رنگ‌ها به‌صورتی تعیین‌کننده و بارز خودنمایی می‌کنند که در این میان رنگ سیاه بیشترین معانی نمادین را از آن خود کرده است.

حیران شده است شب که رویش سیاه کرد

حیران شده است روز که خوبش که آفرید

[مولوی] به شب و روز تشخیص بخشیده است و آن‌ها را دچار حیرانی و سردرگمی می‌بیند. در این میان سهم شب، سیاهی، زشتی ابهام و خوف انگیزی است و سهم روز، سپیدی، زیبایی، درخشانی و جلوه‌گری (کلاهیچیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۵).

پارهای آن در بشکسته سبز و تازه شد

کانچ دست شه برآمد نیست مر احراق را

در این نمونه سبز ملکوتی، شادی آفرین، امیدوار کننده و سرشار از زندگی و طراوت است.

چوب هم گوید بدم من شاخ سبز

زین من بشکست و بدرید آن رکاب

در بیت بالا چوب که البته معنای نمادین دارد از جدایی ناله سر می‌دهد. سبز علاوه بر اشاره به رنگ خود به طراوت، اصالت، زندگی و شادابی و یا حتی معنویت نیز اشاره دارد (کلاهیچیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

۲/۳. سعدی

سفید در اکثر موارد با سیاه همراه می‌شود و سعدی از رهگذر تقابل سفیدی و سیاهی، هم به آفرینش زیبایی می‌پردازد و هم بدین وسیله سفیدی را که عدم وجود رنگ است -برجسته‌تر و پررنگ‌تر نشان می‌دهد. رنگ سرخ را نیز اغلب برای نشان دادن سرخی لب یار، به کار برده است.

مکنید دردمندان گله از شب جدایی

که من این صبح روشن ز شب سیاه دارم

در اشعار او ایام وصال یار همچون روز سپید و روشن است و روزگار فراق و جدایی مانند تاریکی شب، سیاه. وی به عاشق نوید می‌دهد که بی‌گمان پس از شب فراق صبح وصال روی می‌نماید (پاشایی فخری، ۱۳۹۴: ۵۲۶).

من از بینوایی نیم روی زرد

غم بینوایان رخم زرد کرد

«سعدی» زرد را که رنگ معرفت و آگاهی است گاه با عنصر نور که نماد رنگ زرد است بیان می‌کند. وی گرسنگی را سبب تابیدن نور معرفت الهی در دل انسان می‌داند (همان: ۵۳۱).

سیب گویی وداع یاران کرد

روی از این نیمه سرخ و زان سو زرد

در نظر «سعدی» کسی که یارش را بدرود می‌کند به مانند سیبی است که نیمی از آن زرد و نیمی سرخ است. زردی او به جهت غم جدایی و سرخی اش ناشی از شادمانی بوسه دادن به یار و بوسه گرفتن از اوست (همان: ۵۳۴).

۲/۴. عطار

وجود چندین رنگ در دو بیت از شعر «عطار» نشان‌دهنده توجه وی به مسئله رنگ و وجه نمادین آن برای نشان دادن مفاهیم روحانی و عرفانی است.

تو ای زر زرد گرد از ناامیدی تو نیز ای سیم میکن این سپیدی

که چون این سرخ رو سبز ره شد سپید و زرد بر چشمش سیه شد (عطار، ۱۳۶۱: ۲۶)

در ابیات فوق عطار نگاه منفی خود را به رنگ زرد و سیاه و نگاه مثبت خود را به رنگ سرخ و سبز و تفکر دوگانه و متناقض خود را نسبت به رنگ سپید بیان داشته است، وی در هر چهار مثنوی به این رنگ‌ها توجه کرده است اما در نهایت برترین رنگ‌ها را رنگ خدا می‌داند (بلخاری قهری، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

۳. نقش و تأثیر رنگ در ادبیات و حکایت‌های ایرانی

در حکایتی از هفت‌پیکر نظامی، بهرام گور، هر روز از روزهای هفته را در گنبدی به رنگ خاص به سر می‌برد. اولین هفته، یعنی روز شنبه متعلق به گنبد سیاه بوده و بانوی آن گنبد، بانوی هند است... گنبد زرد رنگ مربوط به روز یکشنبه و سیاره خورشید است... رنگ زرد در این حکایت مظهر راستی و درستی می‌باشد (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۴۲-۱۴۰). در این داستان، رنگ سبز نشانه‌ی اندیشه و تفکر مثبت و دوری از غرور است... در نزد صابئیان حران معبد بخصوص مریخ چهارگوشه و به رنگ سرخ بود و در جشن مریخ صابئیان لباس و تزئینات سرخ آلوده به خون به تن می‌کردند. «احمدنژاد، ۱۳۹۶: ۴۳» در حکایت روایت شده در گنبد آبی در آخر داستان، به نقش خضر به عنوان منجی قهرمان داستان برمی‌خوریم که در این داستان پس از مراحل پیچ و خم‌دار، به تعادل نهایی که گویای رنگ آبی است می‌رسد. خضر علت رهایی و نجات ماهان را چنین می‌گوید: نیت نیک توست کامد پیش می‌رساند تو را به خانه خویش (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۶۶). با عبور از هفتمین گنبد دایره‌سرنوشت بهرام، سفرش از تاریکی و تباهی به نور و امید و روشنایی می‌رسد. او درونش را می‌شناسد. پس رنگ سفید، نماد بی‌گناهی و بی‌آلایشی است و نظامی با گزیدن آن در حقیقت سفری از ظلمت به نور را نشان می‌دهد (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۴۹).

۴. نقش و تأثیر رنگ در عرفان ایرانی اسلامی

ابن‌هیثم جزو نخستین کسانی بود که در قرن چهارم نور را تجزیه کرد. او می‌گوید: فقط دو عامل به تنهایی قادر به ایجاد حس زیبایی هستند و این دو عامل نور و رنگ است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۶: ۱۷۸). تأکید شیخ اشراق بیشتر از رنگ به نور بوده از نظر سهروردی رنگ، تجلی نور است و تنها چیزی که می‌توان نام حقیقت را بر آن نهاد و از بسیاری وضوح نیاز به تعریف ندارد نور است. البته منظور او از نور حقیقت نور است نه مفهوم نور (سهروردی، ۱۳۸۰).

۱۰۶). نجم‌الدین کبری معتقد است، برای سالک رؤیتی فراحسی در پرتو نورهای رنگی حاصل می‌شود، رنگ‌ها در تلقی نجم‌الدین، به منزله نمادهایی هستند تا عارف توسط آن‌ها، مقام نورانی - عرفانی خویش را دریابد. صوفیه از رنگ و نور به عنوان رمزی برای سیر و سلوک استفاده می‌کردند (رجبی، ۱۳۸۸: ۳۳). رنگ سیاه از نگاه نجم‌الدین کبری، رنگی است که سالک را به خود جلب می‌کند، هنگامی که اندکی روشنی در آن به وجود آید، به شکل ابر تیره‌ای مجسم می‌گردد و هرگاه این ابر تیره در تسلط شیطان قرار بگیرد، به رنگ قرمز تبدیل می‌شود. بنابراین رنگ قرمز رنگ شیطان و وسوسه‌های اوست. البته در جایی رنگ قرمز را به معنای ظهور همت در سالک، برای سیرالله می‌داند و همت همان قدرت است. نجم‌الدین کبری درباره رنگ سفید می‌گوید: سالک از آن پس که رو به اصلاح گذارد و خطوط نفسانی را از خود دور بسازد و حقوقی که لازمه ی اوست بر خویشتن برقرار دارد، صفا و پاکی ویژه‌ای پیدا کرده و چون ابری سپید می‌گردد. او همچنین تجلی نفس آدمی را با رنگ آسمان که رنگ کبود است، مشخص می‌نماید که رنگ حیات نفس است و اگر در تسلط شیطان قرار گیرد، تیره گردیده و با رنگ قرمز ترکیب می‌گردد و چون چشمه‌ای از جوش و خروش بازمی‌ماند. چون در نفس شیطان و در تسلط او خیر و برکتی برای انسان نیست همچنین از دیدگاه او رنگ زرد به معنای ضعف نفس و ناتوانی است (کبری، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۷).

رازی در کتاب «مرصادالعباد» نفس اماره را با رنگ سیاه و نفس ناطقه را با رنگ سرخ و نفس مطمئنه را با رنگ سفید رمزگشایی کرده است (رازی، ۱۳۸۷: ۶۰۳). او معتقد است، پس از آن که مرحله‌ای سالک که از رنگ سبز می‌بیند، نور حق بی‌حجاب بر او نمایان می‌شود و بی‌رنگی و بی‌کیفیتی و بی‌حدی و بی‌مثلی و بی‌ضدی بر او تجلی می‌یابد (بلخاری قه‌ری، ۱۳۸۴: ۳۶۹). در بینش [نجم رازی] تجلیات عرفانی سالک در مسیر تقرب ملازم با عالمی رنگین است. رنگ آبی در عالم عرفان بیشتر در سمبولیسم رنگ خرقة کاربرد دارد و از نخستین رنگ‌هایی است که خرقة صوفیان بدان متصف بوده است (کربن، ۱۳۹۳: ۲۲۸).

۵. نقش و تأثیر رنگ در قرآن و مذهب شیعه و شریعت ایرانی

در اسلام، به رنگ خاصی به عنوان رنگ مقدس، متبرک یا دافع شر، اشاره‌ای نشده است؛ اما قرآن کریم علاوه بر جنبه‌های روان‌شناسانه، در سوره بقره به جنبه‌های سمبلیک رنگ و «رنگ خدای» شدن اشاره می‌کند: «حَسُنَ مَنْ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره، ۱۳۸) «خداوند ما را با آیین توحیدی و ایمان راستین زینت داده است و (این رنگ و زینت خدا است) و چه کسی از خدا (می‌تواند) زیباتر بیاراید و بپیراید؟ که در توضیحات آن صِبْغَةً: رنگ، هیئت، حالتی که چیز رنگ شده به خود می‌گیرد و «صِبْغَةَ اللَّهِ»: دین خدا، شریعت خدا، که ایمان است» آمده است (معماریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۲). قرآن در بسیاری از آیات عنوان کلی رنگ الوان را به کار می‌برد و در مواردی از رنگ‌های گوناگون یاد می‌کند.

و من آیاته خلق السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ السَّنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (روم، ۲۲)

و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌هایتان و رنگ‌های شماست. قطعاً، در آن‌ها نشانه‌هایی برای دانایان است.

و ما ذرأ لكم فی الأرض مختلفا ألوانه إن فی ذلك لآیة لقوم یدّكرون (نحل، ۳۱)

و آنچه را در زمین برای شما، با رنگ‌های متفاوتش، آفرید و منتشر کرد، قطعاً، در آن‌ها نشانه‌ای است برای گروهی که متذکر می‌شوند.

۵/۱. رنگ زرد در قرآن و روایات

قرآن کریم به رنگ زرد در خصوص پژمردگی و زردی گیاهان نیز اشاره می‌کند.

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماءً فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم يهيح فتراه مصفراً ثم يجعله حطاماً إن في ذلك لذكرى لأولی الأبواب (زمر، ۲۱)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را به صورت چشمه‌هایی از زمین وارد کرد. سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که رنگ‌های مختلفی دارد سپس از آن گیاه خشک می‌شود و به گونه‌ای که آن را زرد و بی‌روح می‌بینی سپس آن را درهم می‌شکند و خرد می‌کند. باید توجه داشت که گیاهان در پائیز به زردی و پژمردگی می‌گیرند و این آیتی است که انسان را به یاد قیامت می‌اندازد و نماد زوال است. نقل شده است که امام باقر(ع) کیسه‌ای زرد رنگ از جنس دیبا داشتند که در آن تربت امام حسین(ع) قرار داشت (محمودی، ۱۳۸۷: ۷۳). در جای دیگر امام باقر(ع) می‌فرماید: ما در خانه لباس زرد می‌پوشیم (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۸۵).

۵/۲. رنگ سبز در قرآن و روایات

سبز، نماد ایمان و کمال و رنگی بهشتی است و از آنجاکه در سبز ایمان و اطمینان مشهود است نزد مسلمانان رنگ مقدس محسوب شده و مردم میان این رنگ و پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت طاهرین و اولادشان ارتباط برقرار می‌کنند. در مفردات الفاظ قرآن آمده که سبز، رنگی بین سفیدی و سیاهی است و به سیاهی نزدیک‌تر است. به خاطر همین (در عرب) به اسود، اخضر و به اخضر، اسود می‌گویند.

«قرآن کریم» به این رنگ متعادل عنایت ویژه‌ای دارد و در آیاتی به سبزی گیاهان و رویدنی‌های سطح زمین اشاره شده و این مسئله آیتی برای اهل ایمان دانسته شده است.

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماءً فتصبح الأرض مخضرة إن الله لطيف خبير (حج، ۶۳)

آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد، پس زمین سرسبز گردید؟ که خدا لطیف و آگاه است (محمودی، ۱۳۸۷: ۷۶). رنگ سبز در فرهنگ قرآن رنگ بهشتی است. سبزی لباس‌ها و فرش‌های بهشتی از دیگر مواردی است که قرآن کریم ذکر می‌کند (پاکنژاد، ۱۳۶۳: ۱۵۷). خداوند در آیه ۳۱ سوره کهف می‌فرماید:

و يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّ اِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْاُرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَّ حَسَنَتٌ مُرْتَفَقًا

جامه‌هایی سبز از دیبای نازک و ستبر می‌پوشند.

چه پاداش خوبی و چه آسایش‌گاه نیکویی در جایی دیگر می‌فرماید:

مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرِ خَضْرٍ وَّ عَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ

بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا تکیه می‌زنند.

امام سجّاد علیه‌السلام می‌فرماید: هر که مؤمنی را بپوشاند، خداوند او را از جامه‌های سبز (بهشتی) می‌پوشاند...، غزالی در احیاء‌العلوم می‌گوید: پیامبر از لباس سبز خوشش می‌آمد و قبایی از سندس داشت که هرگاه آن را می‌پوشید، رنگ سبز آن با سفیدی صورت ایشان زیبا بود (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). سبز مظهر عقل و ایمان و رنگ تعالی و کمال است (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

۵/۳. رنگ قرمز و آبی در قرآن و روایات

رنگ آبی به صورت مستقیم در قرآن نیامده است، اما در آیات مختلفی شب بستر آرامش اهل زمین خوانده شده است. پیامبر اکرم نگاه به دریا را عبادت شمرده‌اند. یکی از مواردی که در هنگام نگاه به دریا مورد توجه قرار می‌گیرد، رنگ آبی منعکس شده از آسمان روی سطح آب است (میرصالح، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

به واژه حمر به معنای قرمز یک مرتبه در قرآن کریم اشاره شده است:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا
وَعَرَابِيٌّ سَوْدٌ (فاطر، ۲۷)

آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله آن محصولات مختلفی که رنگ‌هایش متفاوت است خارج ساختیم و از کوه‌ها راه‌های سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه...، با اندک تأمل در این آیه، به جایگاه رنگ قرمز در زمین‌شناسی پی می‌بریم زیرا کوه‌های سرخ رنگ منبع عظیم آتشفشانی و پیوسته در تلاطم است و نماد اصلی این کوه‌ها، گرم و فعال بودن آنهاست و در اثر تغییرهای شیمیایی شروع به فوران می‌کنند (بلوردی، ۱۳۸۷: ۱۴).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پوشیدن رنگ قرمز تند مکروه است، مگر برای عروس این دو حدیث، نشان می‌دهد لباس قرمز در حالت عادی، نوعی لباس شهرت است و پوشیدن آن برای مردها مکروه است، اما چه بسا برای افراد خاص مثل عروس و یا در حالت‌های خاص منعی نداشته باشد (میرصالح، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

۵/۴. رنگ سیاه و سفید در قرآن و روایات

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران، ۱۰۶ و ۱۰۷)

روزی که چهره‌هایی سفید می‌شوند و چهره‌هایی سیاه می‌گردند و اما کسانی که چهره‌هایشان سیاه شد، آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به سبب کفر ورزیدن، عذاب را بچشید و اما کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند؛ درحالی‌که آنان در آن رحمت ماندگارند. در اسلام پوشش سیاه برای مردان مکروه است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اصحاب خویش فرمود: لباس سیاه بر تن نکنید که آن جامه فرعون است. (عسگری، ۱۳۹۲ : ۴۷-۴۸).

۶. کارکرد نمادین رنگ در فضا سازی انیمیشن‌های مذهبی اسلامی

جداول پیشنهادی زیر که توسط نگارنده نگاشته است، از بررسی مکتوبات، نوشته‌ها، اسناد استنادی و مخلص کلام آنچه در فصول ارائه شده به قلم تحریر درآمده است.

جدول (۲) صفات رنگ‌ها در اسلام و قرآن (منبع نگارنده)

| ردیف | رنگ | خصوصیات |
|------|-----------------|---|
| ۱ | سفید | سفید نماد نیکی و پاکدامنی و حقایق است. همچنین نشانه‌ی رحمت و روح خداوند است |
| ۲ | سیاه | سیاه نماد جهل و نادانی و ستمکاری است |
| ۳ | آبی (فیروزه‌ای) | آبی شفا بخش، آرامش بخش و نماد عظمت خداوند و نزدیکی بنده به خالقش است |
| ۴ | قرمز | قرمز نارنجی رنگ شهرت و انگشت نما شدن میان جمع است، سرخ نماد شهادت است |
| ۵ | سبز | سبز نماد ایمان و کمال و رنگی بهشتی است |
| ۶ | زرد | رنگ زرد روشن نماد شادی و سرور و زرد تیره نماد مریضی و افسردگی است |
| ۷ | قهوه ای | قهوه ای (شتری) رنگ نکوهش زندگی دنیوی و عدم ثبات و ناپایداری دنیای مادی |
| ۸ | طلایی | نشانه روشنی و تقدس و آگاهی برای اندیشمندان است |

جدول (۳) صفات رنگ‌ها در آئین زرتشت (منبع نگارنده)

| ردیف | رنگ | خصوصیات |
|------|---------|--|
| ۱ | سفید | مظهر اهورامزدا، امید و نیکی و پاکی |
| ۲ | سیاه | نماد ظلمات و غفلت و اهریمن |
| ۳ | آبی | آبی نمادی از گیتی و جهان هستی |
| ۴ | قرمز | قرمز نماد بیماری، خشم و بلا بوده است و نیز نماد جهان میانی و مظهر باروری و نماد هیجان و نیرو است |
| ۵ | سبز | نماد آبادانی، رشد و نمو و تازه شدن زندگی است |
| ۶ | زرد | نماد خورشید و نور و روشنایی و برکت |
| ۷ | طلایی | نماد خردمندی و همچنین زندگی جاویدان |
| ۸ | قهوه ای | نماد زندگی دنیوی خاک و زمین است |

جدول (۴) صفات رنگ‌ها در فرهنگ و هنر و ادبیات و شعر ایرانی (منبع نگارنده)

| ردیف | رنگ | خصوصیات |
|------|-----------|---|
| ۱ | سفید | نماد صلح، پاکیزگی است ولی اگر مقصود روی سفید باشد نماد بی حالی و مرضی است |
| ۲ | سیاه | حرص، غم و گمراهی |
| ۳ | آبی | آرامش و سکوت آبی تیره مایل به بفش نماد جنگ و هیاهو |
| ۴ | قرمز | قرمز روشن نماد شادی و سرخ نماد خشم و شرم است |
| ۵ | سبز | بالندگی و جاودانگی |
| ۶ | زرد | ترس، حسادت، ناامیدی |
| ۷ | طلایی | روشنایی، هوشمندی، ثروت و دارایی |
| ۸ | بنفش | رنگ دینداری و پرهیزکاری |
| ۹ | قهوه ای | ناخوشی، بیماری و رنج عاشق از فراق یار |
| ۱۰ | لاجوردی | نشانه‌ی بی‌نهایتی و جهانی خیالی و دست نیافتنی |
| ۱۱ | فیروزه‌ای | فیروزه‌های نشانه‌ی بزرگی، پاکی و اندیشه بالندگی است |
| ۱۲ | کیود | نشانه‌ی آندوه و سوگواری است |

جدول (۵) صفات رنگ‌ها در روانشناسی (منبع نگارنده)

| ردیف | رنگ | خصوصیات |
|------|---------|--|
| ۱ | سفید | خلوص و بکر بودن، کامل بودن و امنیت |
| ۲ | سیاه | عزاء، ترس و خاکسپاری، ظلمت و نادانی |
| ۳ | آبی | هوش و سلامت و آرامش و ثبات و یکپارچگی |
| ۴ | قرمز | سرزنده، پر انرژی و محرک |
| ۵ | سبز | سلامت، تعادل و نگرش مثبت |
| ۶ | زرد | شاد، خلاق و محرک است و نماد خرد است |
| ۷ | نارنجی | نارنجی نمایانگر غیرت و جدیت، شیدایی و شیفتگی |
| ۸ | بنفش | این رنگ با وفاداری همراه است، نماد قدرت، نجابت و اصالت، عیاشی و چاه طلبی است |
| ۹ | خاکستری | غم، رخوت و بی حالی |

جدول (۶) صفات رنگ‌ها در عرفان ایرانی (منبع نگارنده)

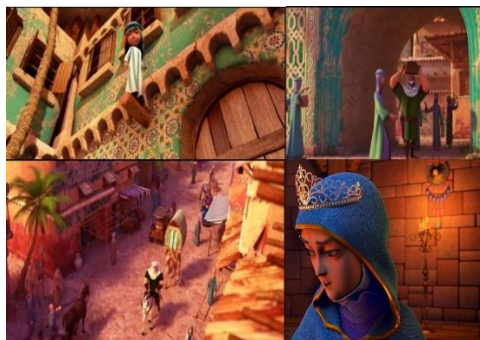
| ردیف | رنگ | خصوصیات |
|------|---------|--|
| ۱ | سفید | رسیدن به روشنایی و آگاهی |
| ۲ | سیاه | عظمت، ایهت، قدرت، هراس انگیزی و هلاک کنندگی |
| ۳ | آبی | نماد قداست و روح متعالی است |
| ۴ | قرمز | زیبایی، شادابی و جلوه‌گری |
| ۵ | سبز | سبز ملکوتی، شادی آفرین، امیدوار کننده و سرشار از زندگی و طراوت است |
| ۶ | زرد | پژمردگی، بی‌ارزشی، ضعف و اندوه |
| ۷ | قهوه‌ای | قهوه‌ای رنگ جهان خاکی است |
| ۸ | طلایی | هاله‌ی دور سر اهل فکر طلایی است |
| ۹ | خاکستری | رنگ نا مهربانی و دل سنگ و روحیه‌ی بی‌وفای معشوق است |

۶.۲. تحلیل و بررسی انیمیشن «شاهزاده رم»

استفاده از عناصر رایج در دین اسلام، بهترین وسیله برای فضا سازی یک انیمیشن اسلامی است. به‌طور مثال در صحنه‌ای ملیکا در خواب می‌بیند دو قدیسه با پوششی از پروانه‌های طلایی که رنگ حیات بخش خورشید است و پیام جاودانگی و زیبایی و فروزنده‌گیست او را به دین مبین اسلام دعوت می‌کنند و درست بعد از آنکه او با گفتن شهادتین مسلمان می‌شود کل فضا را نورهای سبز دربر می‌گیرد. همان‌طور که اشاره شد رنگ سبز در اسلام نماد ایمان و کمال است و استفاده از این رنگ در این سکانس کاملاً به‌جا و آگاهانه بوده است (شکل ۱۵). به تصویر کشیدن خانه‌های کاهگلی، شترها، درختان نخل و نقوش اسلیمی با رنگ‌های طلایی و فیروزه‌ای و لاجوردی روی دیوارهای شهر برای فضا سازی سرزمین اعراب مسلمان و همه به هدایت فیلم به سمت یک انیمیشن با حال و هوای اسلامی کمک می‌کند (شکل ۱۶). در نمایی سربند طلایی امام حسن عسکری را می‌بینیم که در فرهنگ اسلامی نماد روشنی و داناییست. در جدول زیر ویژگی‌های رنگی انیمیشن شاهزاده روم برشمرده شده است.

جدول (۸). بررسی شاخصه‌های هویتی ایرانی مذهبی در انیمیشن «شاهزاده رم» (منبع نگارنده)

| رنگ‌های به کار رفته | نمادهای رنگی معماری ایرانی در صحنه پردازی | نمادهای رنگی فرهنگ ایرانی در پوشش شخصیت‌ها و صحنه پردازی | نمادهای رنگی مذهبی اسلامی در پوشش و صحنه پردازی | استفاده از ویژگیهای رنگ در شخصیت پردازی بر اساس مولفه‌های ملی و مذهبی |
|--|--|--|--|---|
| زرد (خورشید و انوار روی دیوارها و زمین) | نمایانگر توسعه طلبی، بلاهای، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است. ایرانیان از این رنگ برای القای نور و خورشید استفاده می‌کردند | نماد دانایی و آگاهی است و بسیار دیده شده که در هنر ایرانی خردمندان پوشش زرد به تن دارند و یا هاله ای زرد به دور صورت | رنگی مطبوع، محرک و قرح بخش است. در اسلام پوشیدن کفش زرد برای خوشنودی نفس توصیه شده است | نمیل آخرت، شگفتی، زرد تیره نماد بیماری و افسردگی است |
| فیروزه ای (سریند ملیکا و زیور آلات زنانه و کاشی کاری‌های روی دیوارها) | نماد نزدیکی خدا به بنده اش - الهام بخش و پر رمز و راز | استفاده از آن به عنوان نگین انگشتری یا وجود مرغوب ترین معادن فیروزه در نیشابور مرسوم بوده و نشانه ی روحانیت و آب و آسمان است | آرامش توأم با عبادت و دارای مفاهیم قدسی، عظمت و سلامت نفس | حقیقت، رسیدن به کمال و پاکی و عرش الهی |
| سبز قضای حاکم در سکانسی که ملیکا به دین اسلام دعوت می‌شود) | رنگی مناسب برای القای حیات و قضای سرزنده و پویاست. مظهر تازگی و هوای پاک است | نماد زندگی و حس جوانی است. نشانه‌ی تعادل، خرمی، بهار و تولد دوباره است | در اسلام رنگ بهشت و پوشش بهشتیان حریر سبز رنگ است. رنگ مقدس پوشش مسلمین، پیامبران و ائمه است | نماد ایمان و کمال است به منزله ی تسلیم شدن نزد پروردگار و موئن شدن به او و قرستادگانش می‌باشد |
| طلایی (تاج ملیکا و سریند امام هادی (ع)) | گرما و صمیمیت استفاده از این رنگ در معماری ایرانی نشانه‌ی قدرت و عظمت است | جاودانگی و سخاوت، پیروزی و موفقیت | تجملگرایی و ثروت آندوژی. | شادی و قراج خاطر، درخشندگی و جلالیت |
| قهوه ای-خاکی رنگ زمین و خانه‌های کاهگلی در سرزمین اعراب مسلمان) | نماد زمین و زندگی خاکی است و استفاده از این رنگ در معماری ایرانی بسیار متداول است | نماد امیال زمینی، خشم و کینه است | قضای رنگی قهوه ای - خاکی، آمیخته یا تناقضات خیر و شر و مبارزه‌ی دائمی نفس سرکش و وجدان آگاه در زندگی انسان است | نشانه ی تمایلات دنیوی و مادی غمگین است |
| قرمز (رنگ قرش و اسباب و وسایل درون کالج و لباس مردان روم) | نشانه ی استقامت و پایداری است و استفاده از آن در معماری به منظور القای اطمینان خاطر و حسی امنیت است | نمادی از سرسختی و پافشاری در برابر مشکلات است. هیچان، قدرت و شورش انقلابی را نشان می‌دهد. | پوشش آن مکروه بوده و رنگ شیاطین و ابلیس است. پوشیدنش فرد را انگشت نما می کند و مناسب نیست | نشان از دفاع از اعتقادات دارد؛ حتی با نثار خون. نشانه ای از عشق آتشین در تمایلی مفرط به زندگی است |
| سفید (تن پوش ملیکا در زمان دعوتش به دین اسلام) | نور، توحید و اعتقاد به یگانگی پروردگار، نماد خلوت، تفکر و پالندگی است | پاکی و پاکیزگی، خلوص و پوشیدن لباس سفید به منزله ی حس بی نیازی از مسائل مادی و دنیوی | جوانمردی و نیکوکاری - بر روی چهره به منزله ی معصومیت است. استفاده از آن نشانه ی قضایی بی‌کراں و بی‌آلایش. | بصیرت، رنگ خدا |



(شکل ۱۶) تصاویری از انیمیشن شاهزاده رم

(هادی محمدیان ۱۳۹۳)



(شکل ۱۵) تصاویری از انیمیشن شاهزاده رم

(هادی محمدیان ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر پس از مکاشفه و بررسی، پاسخگویی سئوالات مطرح شده به شرح زیر است.

۱- رنگ‌ها در مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

رنگ‌ها در فرهنگ ایرانی و مذهب شیعه دارای ویژگی‌های گسترده‌ایی هستند. حس غم و شادی و گرمی و سردی، مهربانی و عداوت، دوری و صمیمیت، نیک‌خویی و بدخویی، ترس و شجاعت همگی از ویژگی رنگ‌هاست و هنرمندان از این خصایص در هنر ایرانی-اسلامی بهره برده‌اند. رنگ‌ها همواره الهام‌بخش و تداعی‌کننده عالم ملکوت در هنر ملی-مذهبی بوده‌اند و این شاید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ویژگی آن‌هاست که در مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. واکاوی اسناد ارائه‌شده در پژوهش حاضر گواه این مدعاست.

۲- چگونه می‌توان از رنگ‌ها در فیلم‌های انیمیشن استفاده کرد، به‌گونه‌ای که حامل باورهای فرهنگی و اعتقادات ملی و مذهبی باشند؟

نتیجه حاصله پس از مذاقه و بررسی مورد مطالعاتی ارائه شده بر اساس مبانی نظری، نشان از آن دارد که به‌کارگیری رنگ‌ها در یک فیلم انیمیشن مذهبی اگر با دلیل باشد و فیلم‌ساز آگاهانه از خواص ارزشمندشان بهره گیرد، اثر نمایشی کاربرد استعاری مناسبی از رنگ‌های ملی - اسلامی را دارا خواهد شد و تأثیر مناسبی بر بینندگان و مخاطبان خواهد گذاشت و کلام بیهوده پرهیز خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

کتابها

- ابوطالبی، الهه. (۱۳۷۲). مفاهیم نمادین رنگها، تهران: اداره پژوهش‌های اسلامی.
- بلخاری قهری، حسن. (۱۳۸۴). حکمت، هنر و زیبایی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- پاکنژاد، رضا. (۱۳۶۳). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران: بنیاد فرهنگی دکتر پاک‌نژاد.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۷). مرصادالعباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سهروردی. (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تصحیح هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ضابطی جهرمی، احمد. (۱۳۷۸). سینما و ساختار تصاویر شعری در شاهنامه، تهران: انتشارات فرا.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۵۳). آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا دوره صفویه، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۵). آداب زندگی پیامبر، تهران: انتشارات تهذیب.
- عطار، شیخ فریدالدین. (۱۳۶۱). اسرارنامه، با تصحیح [وشرح] صادق گوهرین، تهران: انتشارات زوار.
- فرزان، ناصر. (۱۳۸۴). تاریخ و تحول هنر و صنعت رنگ در ایران و جهان، تهران: انتشارات تهران.
- کبری، نجم‌الدین. (۱۳۸۸). فوائج الجمال و فوائج الجلال. مترجم قاسم انصاری. تهران: انتشارات طهوری.
- کربن، هانری. (۱۳۹۳). انسان نورانی در تصوف ایرانی. مترجم فرامرز جواهری‌نیا. تهران: چاپخانه گلبن.
- نجیب‌اوغلو، گل‌رو. (۱۳۷۶). هندسه و تزیین در معماری اسلامی، مترجم مهرداد بیدهندی، تهران: انتشارات روزانه.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶). هفت پیکر با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، مترجم سعید حمیدیان، تهران: انتشارات قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). خسرو و شیرین با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، مترجم سعید حمیدیان، نشر: قطره.
- یاوری، حورا. (۱۳۷۴). روانکاوی و ادبیات تهران، تاریخ ایران، تهران: انتشارات سخن.

مقالات

- احمدی ملکی، رحمان. (۱۳۷۸). "پیکره‌های رنگی هفت پیکر"، مجله ادبیات داستانی، شماره ۵۲، صص ۲۹-۱۸.
- بسته نگار، مهرنوش. (۱۳۹۳). "رنگ از منظر ایرانی"، فصلنامه منظر، شماره ۲۹، صص ۶۵-۵۸.
- بلوردی، طیبه. (۱۳۸۷). "رنگها و پیامها در قرآن"، نشریه مشکات، شماره ۹۸، صص ۱۰۱-۷۵.

پاشایی فرخی، کامران. (۱۳۹۴). "مقاله بررسی نماد رنگ در آثار سعدی"، نشریه بهارستان سخن، شماره ۲۹. صص ۸۲-۶۱.

چوناکوا، ا.م. (۱۳۷۶). "مقاله جنبه نمادی رنگ در متن‌های پهلوی"، مترجم لیلا عسگری، نامه فرهنگستان، شماره ۱۲، صص ۶۴-۷۲.

روشن، امین. (۱۳۸۵). "رنگ در شاهنامه"، مجله حافظ، شماره ۲۷، صص ۶۷-۷۰.

زمرشیدی، حسین؛ زمرشیدی، زهرا. (۱۳۹۱)، "هنر کاشی‌گری و کاشی‌کاری معماری ایران تا پایان دوره تیموری"، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۱۰، صص ۴۹-۶۰.

شیمل، آنه ماری؛ ساسک، پرسایلا. (۱۳۸۲). "ارزش‌های رنگ در هنر و ادبیات ایران"، ترجمه مریم میراحمدی، مجله نامه انجمن، شماره ۱۲، صص ۴۰-۵۸.

عسگری، فاطمه؛ اقبالی، پرویز. (۱۳۹۲). "تجلی نمادهای رنگی در آیین هنر اسلامی"، مجله جلوه هنر، شماره ۹، صص ۴۳-۶۲.

عناقه، عبدالرحیم، محمودیان، حمید، صابری‌زاده، رقیه. (۱۳۹۱). "تجلی عرفان در معماری مسجد"، مجله عرفان اسلامی شماره ۳۳، صص ۱۵۹-۱۸۸.

کلاهیجان، فاطمه؛ نورایی، الیاس و نظری‌فر، فاطمه. (۱۳۹۶). "تأملی بر کارکرد محتوایی رنگ در غزلیات مولوی"، مجله متن پژوهی ادبی، شماره ۷۱، صص ۹۹-۱۲۹.

محمودی، سید احمد. (۱۳۸۷). "رنگ در قرآن کریم"، مجله بینات، شماره ۵۷، صص ۵۸-۸۳.

مصدقیان، وحیده. (۱۳۹۱). "رنگ و نقش در مسجد گوهرشاد"، شماره ۱۶۶، صص ۱۶-۱۵.

معماریان، غلامحسین؛ عظیمی، سیروان و کبودی، مهدی. (۱۳۹۳). "ریشه‌یابی کاربست رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه سنتی مسکونی (نمونه موردی ابنیه مسکونی اورامان)"، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۳، صص ۴۶-۵۹.

میرصالح، سید محمدحسین. (۱۳۹۱). "بررسی آثار رنگ‌ها بر روان انسان با تکیه بر قرآن و حدیث، شماره ۲۹، صص ۱۵۶-۱۲۸.

پایان‌نامه‌ها

احمدنژاد، کامل. (۱۳۹۶). بررسی عنصر رنگ در شاهنامه فردوسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات دانشگاه شیراز.

راکعی، سارا. (۱۳۹۵). رنگ در زندگی، فرهنگ، هنر و باور ایرانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

سلطانعلی یزدی، مونا. (۱۳۹۵). بررسی ساختارهای رنگ و کارکرد آن بر اساس نوع روایت در انیمیشن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد انیمیشن، دانشگاه هنر.